

برزخ بی گناهان

کارین ژیه بل

ترجمه آریا نوری



کتاب کوچه پشاور

سخن مترجم

برخ بی گناهان یا همان طور که برخی از منتقدان فرانسوی از آن یاد کرده‌اند، «جهنم گنهکاران»، هفتمین و بی‌تردید تاریک‌ترین و پرکشش‌ترین اثر کارین ژیه‌بل است. نویسنده‌ای که دیگر این روزها باید او را از چهره‌های اصلی ژانر پلیسی جنایی فرانسه به حساب آورد.

کتاب، هم‌زمان، ماجرای زندگی شش شخصیت اصلی خود را روایت می‌کند. از یک سوراخانل^۱ و ویلیام^۲، از سویی دیگر ساندر^۳ و پاتریک^۴، و درنهایت جسیکا^۵ و اورلی^۶. البته در این میان، شخصیت‌های فرعی نیز ایفای نقش می‌کنند. نویسنده کتاب را به سبک فیلم‌های اکشن آمریکایی آغاز می‌کند؛ سرقت از یک جواهرفروشی بزرگ و درنهایت تیراندازی بین سارقان و نیروهای پلیس. پس از آن، وارد زندگی دختری نوجوان و دوستش در پاریس می‌شویم و درنهایت چندصد کیلومتر آن طرف‌تر، در یکی از دهکده‌های فرانسه، با ساندر، دامپزشکی محلی، آشنا می‌شویم. هر سه این ماجراها در نقطه‌ای از داستان به هم می‌رسند. نویسنده با توانایی زیاد خود توانسته

1. Raphael

2. William

3. Sandra

4. Patrick

5. Jessica

6. Orly

چندین خط زمانی - روایی را هم‌زمان دنبال کند و همین کار وی جذابیت داستان را چندبرابر کرده است.

برزخ بی گناهان به خوبی گوشه‌های تاریک روح و روان آدمی را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد رخدادهای کودکی چقدر می‌تواند در به‌وجود آمدن مسائل و مشکلات روانی زندگی آینده هر شخص نقش داشته باشد. این اثر را هرگز نمی‌توان داستانی ساده در ژانر پلیسی جنایی دانست، بلکه رگه‌هایی از رمان‌های روان‌شناختی نیز در آن به خوبی مشهود است.

نویسنده کتاب، کارین ژیه‌بل، متولد ۱۹۷۱ در فرانسه است. وی تحصیل کرده رشته حقوق است و امروز هم به‌عنوان حقوقدان فعالیت می‌کند. اولین کتابش سال ۲۰۰۴ منتشر شد و سال ۲۰۰۵ توانست جایزه «رمان‌های پلیسی مارسی»^۱ را از آن خود کند. سومین کتابش را سال ۲۰۰۷ منتشر و توجه همگان را به خود جلب کرد. او توانست برای نوشتن این کتاب جایزه «رمان‌های پلیسی فستیوال کونیاک»^۲ ۲۰۰۸ و جایزه «رمان‌های پلیسی اس.ان.سی.اف.»^۳ ۲۰۰۹ را به خود اختصاص دهد. کتاب‌های بعدی‌اش نیز توانسته‌اند جایزه‌های متعددی را به‌دست آورند.

تا به امروز، نه رمان از وی منتشر و کتاب‌هایش به نه زبان زنده دنیا ترجمه شده است؛ بعضی از آن‌ها نیز در حال اجرا به صورت فیلم و سریال‌اند. اثر پیش‌روی شما، سال ۲۰۱۳ وارد بازار شده و یک سال بعد (۲۰۱۴) جایزه «خوانندگان وار»^۴ را به‌دست آورده است.

برزخ بی گناهان را بی‌هیچ تردیدی می‌توان تاریک‌ترین کتاب ژیه‌بل دانست. وی خواننده را از همان صفحات اول با خودش همراه می‌کند و ماجرا را چنان با جذابیت روایت می‌کند که خواننده در آن غرق می‌شود. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، وی

حقوقدان است و به‌واسطه شغلش سالی چندبار به زندان‌های مختلف سر می‌زند. او در یکی از مصاحبه‌هایش گفته است فکر اصلی نوشتن کتاب جدیدش نیز از ملاقات با زندانیان مختلف به‌دست آمده است.

ژیه‌بل در این رمان توانسته است دو گروه مختلف تبه‌کار را به خوبی مقابل هم بگذارد و آن‌ها را با هم مقایسه کند؛ اما بی‌شک، اصلی‌ترین حرفی که می‌خواسته در کتابش مطرح کند، و خودش هم این را در مصاحبه‌ای به‌روشنی گفته است، این بوده که در هر کشور، شهر یا منطقه‌ای ممکن است انسان‌هایی با مشکلات روانی وجود داشته باشند و نیز، زن‌ها همیشه آن موجودات مهربان و قربانی‌ای که در بیشتر کتاب‌ها می‌بینیم نیستند، گاهی نیز می‌توانند جلادانی بی‌رحم شوند. همه چیز بستگی به شرایط دارد.

جذابیت این کتاب برای خود من هم به‌اندازه‌ای بود که کل روند ترجمه آن فقط دو ماه زمان برد. در پایان، امیدوارم شما خواننده گرامی هم، همان‌قدر از مطالعه این کتاب لذت ببرید که من از ترجمه‌اش.

در پناه حق

آریا نوری

جمعه، دوم تیر ۱۳۹۶

1. le Prix marseillais du Polar

2. le Prix Polar du festival de Cognac

3. le Prix SNCF Polar

4. Prix des lecteurs du Var

مقدمه

درست یادم نمی‌آید؛ انگار این مسنله جایی در اعماق ذهنم پنهان شده باشد، در اعماق وجودم...

تصاویر، کلمات، احساسات و رایحه‌ها...
درد...

هیچ چیز مشخصی وجود ندارد.
مثل اینکه این اتفاقات هرگز رخ نداده باشد.
مثل اینکه هرگز برای «من» رخ نداده باشد.
ولی حقیقت خلاف این است.

زخمی تازه که هنوز هم خونریزی دارد و عمقش به اندازه وجودم است؛ گودالی که در آن گم شده‌ام...

توضیح همه این‌ها بسیار سخت است...
این اتفاقات زندگی‌ام را برای همیشه تغییر داده و از من کسی ساخته که خودم هم نمی‌شناسمش.

هر زنی شیوه خاص خودش را برای پاسخگویی به این شرایط دارد؛ هر زنی و هر بچه‌ای.

کسانی که چنین شرایطی را تحمل کرده‌اند خیلی خوب می‌دانند از چه حرف می‌زنم، اما دیگران هرچقدر هم تلاش کنند، نمی‌توانند.

افراد انگشت‌شماری می‌توانند وضعیت مرا درک کنند؛ متأسفانه خیلی کم. ولی در عوض همه به خود اجازه می‌دهند که درباره‌ام قضاوت کنند.

قضاوت کردن برای آدم‌ها چقدر آسان است و درک کردن چقدر سخت...! قضاوت‌شدن از جانب آدم‌هایی که چیزی از واقعیت نمی‌دانند به شدت آزارتان می‌دهد و از درون نابودتان می‌کند، تا جایی که از شما فقط پوسته‌ای خشک و توخالی می‌ماند.

چقدر دوست داشتم او به زندگی‌ام خاتمه می‌داد... چرا که با این کار درد و رنجم به پایان می‌رسید. این طوری چه لطف بزرگی در حقم می‌کرد!

ولی به‌نظرم اصلاً لطف کردن را بلد نبود.

او همه چیزم را از من گرفت و هیچ چیز برایم باقی نگذاشت.

آن روز بود که فهمیدم هرکس در زندگی‌اش می‌تواند چندین بار بمیرد.

من خیلی وقت است که مرده‌ام... خیلی وقت... در اتاقی تاریک...

باوجوداین، هنوز چیزی زنده مانده است یا بهتر است بگویم چیز جدیدی متولد شده... چیزی که راه می‌رود و به‌جای من صحبت می‌کند.

فصل اول

سه‌شنبه، چهارم نوامبر

میدان وندوم، پاریس، ساعت ۱۵:۰۰

- خب، این هم به گردن‌بند پلاتین با الماس خاکستری هشت‌قیراطی و دو الماس زرد هفت و پنج‌قیراطی، کنارشون هم دو تا الماس سرخ دو‌قیراطی داره.

او با نهایت تبحر گردن‌بند را معرفی می‌کند و حالا، مطمئن از تأثیر حرف‌هایش، به صورت زن جوان نگاه می‌کند. چشمان زن کمی گرد شده‌اند، مسلماً تحت‌تأثیر گردن‌بند قرار گرفته است. اما نکته جالب رنگ چشم‌های اوست که با هم متفاوت‌اند، سمت چپی آبی و سمت راستی قهوه‌ای است؛ چشم‌هایی که دست‌کمی از جواهر ندارند، جواهری کارشده روی صورتی بسیار دلنشین. آرایش ملایمی دارد، هرچند به‌نظر نمی‌رسد چنین چهره‌ای اصلاً نیاز به آرایش داشته باشد. این گردن‌بند برای این زن بی‌نظیر خواهد بود. کمتر زنی در دنیا هست که ظاهرش ارزش یک گردن‌بند سه میلیون‌دلاری را داشته باشد.

ولی چرا او؟

ظاهرش مثل ملکه‌هاست، همان‌قدر زیبا و دل‌ریا. باوجوداین جواهرفروش تشخیص می‌دهد که این زن خیلی وقت نیست ثروتمند شده. این را به‌خوبی احساس می‌کند؛ تجربه چندین‌ساله‌اش در این کار قدرتی به او داده است که افراد نازپرورده را از تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها تشخیص دهد.